

A Jurisprudential and Legal Analysis of Debt Division in a Partnership, Assuming a Single Creditor

1- Ali Akbar Ezadifard¹

2- Seyyed Mesbah Al-Hoda Jabarzadeh²

3- Hoda ansarian³

1. Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

2. PhD student in Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

3. Ph.D. in Islamic Jurisprudence and Foundations of Law, and Assistant Professor at Islamic Azad University, Qom Branch, Iran.

Abstract.

In the Islamic financial system, the division of debt in situations involving multiple debtors and a single creditor is a complex yet crucial issue. This research, aiming to examine this topic from both jurisprudential and legal perspectives, analyzes the opinions and arguments of Islamic jurists in this regard. In this context, it first addresses the conceptual understanding of key terms, including debt division, partnership, and single creditor, and then reviews the opinions of jurists regarding debt division in the case of a single creditor and multiple debtors. Subsequently, the jurisprudential and legal arguments related to this topic, such as the rule of 'fulfilling promises' (al-Wafa bil-Ahd), the rule of 'justice and equality' (al-Adl wal-Musawat), and the rule of 'guarantee' (al-Dhaman), are analyzed. Finally, the theory of debt division in the case of a single creditor is critically examined from various angles. The results of this study indicate that in the case of a single creditor, the debt should be divided in proportion to the financial capacity or shares of the debtors, and in the case of joint and several liability, the creditor can claim the entire debt from any debtor. This research is conducted using a descriptive and analytical method, and by utilizing jurisprudential and legal sources, it provides a solid framework for debt division in the case of a single creditor.

Keywords: Debt Division, Partnership, Single Creditor, Islamic Jurisprudence, Financial Law.

¹ Izadifard@umz.ac.ir

² mesbah.jabbari5312@yahoo.com

³ hodaansarian@gmail.com

بررسی فقهی و حقوقی تقسیم دین در شراکت در فرض وحدت طلبکار

علی اکبر ایزدی فرد^۱

سیدمصباح الهدی جبارزاده^۲

هدی انصاریان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

چکیده

در نظام مالی اسلام، تقسیم دین در شرایطی که چند بدهکار و یک طلبکار وجود دارد، از مسائل پیچیده و در عین حال مهم است. این پژوهش با هدف بررسی فقهی و حقوقی این موضوع، به تحلیل آراء و ادله فقهاء در این زمینه پرداخت. در این راستا، ابتدا به مفهوم‌شناسی کلیدواژه‌ها شامل تقسیم دین، شراکت و وحدت طلبکار پرداخته و سپس نظرات فقهاء در خصوص تقسیم دین در فرض وحدت طلبکار و تعدد بدهکاران مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه ادله فقهی و حقوقی مرتبط با این موضوع، از جمله قاعده «الوفاء بالعهد»، قاعده «العدل و المساواة» و قاعده «الضمان» تحلیل شده و در نهایت، نظریه تقسیم دین در فرض وحدت طلبکار از زوایای مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در فرض وحدت طلبکار، دین باید به تناسب توان مالی یا سهم بدهکاران تقسیم شود و در صورت مسئولیت تضامنی، طلبکار می‌تواند تمام دین را از هر بدهکار مطالبه کند. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده و با استفاده از منابع فقهی و حقوقی، چارچوبی متقن برای تقسیم دین در فرض وحدت طلبکار، ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: تقسیم دین، شراکت، وحدت طلبکار، فقه اسلامی، حقوق مالی.



^۱ - استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
^۲ - دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)
^۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران.

مقدمه

در نظام حقوقی و اقتصادی اسلام، مسئله «دین» به عنوان یکی از مهم ترین تعهدات مالی، همواره جایگاهی ویژه داشته است. دین نه تنها تعهدی قراردادی، بلکه پیمانی اخلاقی و شرعی است که رعایت حقوق طرفین آن (اعم از طلبکار و بدهکار) در آموزه های اسلامی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. با این حال، هنگامی که یک بدهکار در برابر یک طلبکار واحد، متعهد به بازپرداخت چندین دین با ماهیت ها، شرایط و اولویت های متفاوت می شود، پرسش های پیچیده ای در عرصه فقه، حقوق و اخلاق اسلامی مطرح می گردد: اینکه چگونه می توان بین التزام به اجرای عدالت در بازپرداخت دین ها و رعایت حال بدهکار ناتوان، توازن برقرار کرد؟ اولویت بندی سداد دین ها در فرض تعدد تعهدات (مانند دین های تجاری، درمانی یا نفقه) بر چه مبنای فقهی استوار است؟ نظام های مالی مدرن، به ویژه بانکداری اسلامی، چگونه می توانند با تکیه بر اصول اسلامی، راهکارهای عادلانه ای برای مدیریت دین های متعدد ارائه دهند؟ این پرسش ها نشان دهنده ضرورت پژوهشی عمیق و چندبعدی است که همسو با اهداف شریعت، هم به حفظ حقوق طلبکار توجه کند و هم از فشار بر بدهکار بکاهد. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می شود که بدانیم در فقه اسلامی، قواعدی همچون «إِقْرَاضُ الْمُعْسِرِ وَاجِبٌ» وام دادن به درمانده واجب است» (شیخ صدوق، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۶۷) و «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ؛ مُؤْمِنَانِ بِشُرُوطِ خُودِ بَابِنْدِنْدِ» (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۴۹-۲۵۳)، همزمان بر التزام به تعهدات و مراعات حال افراد تنگدست، تأکید دارند. از سوی دیگر، تحولات نظام های مالی امروزی، مانند گسترش ابزارهای اسلامی (صکوک، مرابحه، مشارکت)، بر پیچیدگی های تقسیم دین ها افزوده و لزوم بازخوانی آرای فقهی را در پرتو نیازهای معاصر، ایجاب می کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی با هدف تدوین چارچوبی متقن، بر اساس منابع فقهی و اصول حقوقی، می کوشد به این پرسش کلیدی پاسخ گوید: تقسیم دین در فرض وحدت طلبکار، چگونه باید صورت پذیرد تا حقوق هر دو طرف، عدالت مالی و مصالح اجتماعی به بهترین شکل تأمین شود؟

مفهوم شناسی

تقسیم دین

تقسیم دین به فرآیند توزیع و اولویت بندی بازپرداخت بدهی های یک فرد یا نهاد (مدیون) بین طلبکاران مختلف اشاره دارد. (خمینی، ۱۴۴۲، ج ۲۲، ص ۱۸۵) این تقسیم معمولاً در شرایطی مطرح می شود که دارایی های بدهکار برای پرداخت تمام بدهی هایش، کافی نباشد. (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۴) در این حالت، تعیین اولویت های سداد بر اساس قواعد فقهی، حقوقی و اخلاقی انجام می گیرد.

شراکت

شراکت در لغت به معنای مشارکت یا تقسیم مالکیت بین دو یا چند نفر را می گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۴۸) و در اصطلاح، شراکت به معنای تقسیم مالکیت یا حقوق بین افراد است، که می تواند در عین مال، دین، منفعت یا حق باشد. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۹۸؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۳۱۶) در فقه اسلامی، شراکت در دین به معنای آن است که دو یا چند نفر مشترکاً طلبکار یا بدهکار باشند. این نوع شراکت می تواند به واسطه ارث، عقد یا سایر اسباب شراکت ایجاد شود. (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۶۲۳؛ عراقی، ۱۴۱۸، ص ۵۲) در حقوق اسلامی و مدنی در ماده ۵۷۱، شراکت در دین به عنوان یکی از اشکال مالکیت مشترک، شناخته می شود که در آن چند نفر به صورت مشاع، مالک دین یا طلبی هستند. این نوع مالکیت، نیازمند توافق و رعایت حقوق شرکا است.

وحدت طلبکار

وحدت طلبکار به شرایطی اشاره دارد که یک فرد یا نهاد (مدیون) تنها یک طلبکار دارد، اما ممکن است در برابر این طلبکار متعهد به پرداخت چندین دین با ماهیت‌ها و شرایط متفاوت باشد. (کاتوزیان، ۱۳۶۴، ص ۲۳۳) برای مثال، یک فرد ممکن است از یک بانک اسلامی چندین وام با اهداف مختلف (مانند وام مسکن، وام تجاری، یا وام درمانی) دریافت کرده باشد.

نظرات فقهاء

در فقه اسلامی، وقتی که فقط یک طلبکار وجود دارد و چند بدهکار مسئول پرداخت دین هستند، نحوه تقسیم و پرداخت دین میان بدهکاران به نوع مسئولیت آن‌ها و توافقات مختلف، بستگی دارد. در این زمینه، آراء فقهاء به تفصیل مطرح شده است. در ادامه، مهم‌ترین نظرات فقهی در خصوص تقسیم دین در فرض وحدت طلبکار و تعدد بدهکاران را بررسی می‌کنیم.

۱. تقسیم دین به نسبت سهم هر یک از بدهکاران (در صورت عدم تضامن)

در صورتی که چندین بدهکار وجود داشته باشد و یک طلبکار، بیشتر فقهاء بر این عقیده‌اند که هر بدهکار تنها به اندازه سهم خود از دین، مسئول است. (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۸۷؛ حکیم، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۹۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۸، ص ۲۹۹؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۵) به عبارت دیگر، دین به نسبت میزان بدهی هر بدهکار تقسیم می‌شود. این نظر در صورتی مطرح می‌شود که بدهکاران مسئولیت تضامنی نداشته باشند (یعنی هر یک از بدهکاران به طور جداگانه مسئول است و طلبکار نمی‌تواند به طور کامل از هر یک از آنان، طلب خود را مطالبه کند). در این صورت، هر بدهکار باید تنها بخشی از دین را که به او تعلق دارد پرداخت کند، مگر اینکه توافقی متفاوت میان بدهکاران یا طلبکار وجود داشته باشد.

۲. مسئولیت تضامنی (در صورت تعدد بدهکاران)

اگر بدهکاران مسئولیت تضامنی داشته باشند، یعنی هر یک از آن‌ها به طور کامل مسئول پرداخت دین باشد، در این صورت، طلبکار می‌تواند تمام مبلغ دین را از هر کدام از بدهکاران مطالبه کند. این وضعیت معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که در قرارداد یا توافقات میان بدهکاران و طلبکار چنین تعهدی ذکر شده باشد. فقهاء امامیه به طور کلی مسئولیت تضامنی را پذیرفته‌اند. (محقق نائینی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۸۶؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۶، ص ۱۱۳) بنابراین، در صورت مسئولیت تضامنی، طلبکار می‌تواند به دلخواه از هر یک از بدهکاران، کل دین را مطالبه کند. پس از آن، بدهکارانی که بیش از سهم خود پرداخت کرده‌اند می‌توانند از دیگر بدهکاران سهم خود را بازپس بگیرند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۹۸) در مذاهب مختلف اهل سنت نیز مسئولیت تضامنی پذیرفته شده است (عاملی، ۱۴۱۰، ص ۹۳) و همانند فقه امامیه، طلبکار می‌تواند تمام مبلغ دین را از هر بدهکار مطالبه کند.

۳. اولویت در پرداخت دین (در صورت عدم امکان پرداخت تمام دین)

اگر بدهکاران قادر به پرداخت تمام دین نباشند، در برخی موارد ممکن است بین بدهکاران اولویت‌بندی برای پرداخت دین وجود داشته باشد. این اولویت ممکن است به دلایلی مانند نوع دین (مثلاً دین‌هایی که مربوط به زندگی ضروری یا هزینه‌های فوری هستند) تعیین شود. در این صورت، فقهاء معمولاً بر اساس نیاز و ضرورت زندگی و یا قراردادی که بین بدهکاران و طلبکار بسته شده، اولویت‌ها را مشخص می‌کنند. (حلی، ۱۴۰۵، ج ۲۰، ص ۱۰۶؛ خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۶۴۷)

۴. پرداخت بخشی از دین (در صورت نبود توانایی پرداخت تمام دین)

در صورتی که هیچ یک از بدهکاران نتوانند تمام مبلغ دین را پرداخت کنند، برخی فقهاء پیشنهاد می‌کنند که بدهکاران موظف به پرداخت سهم خود از دین به نسبت توان مالی‌شان هستند. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۳، ص ۱۲۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۱، ص ۱۰۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۳۳) در این صورت، اگر یک بدهکار توانایی پرداخت تمام مبلغ دین

را ندارد، بخشی از آن را پرداخت می‌کند و باقی‌مانده باید از طریق دیگر بدهکاران، جبران شود.

۵. تقسیم دین در صورتی که دین مربوط به مال مشاع باشد:

در صورتی که بدهی مربوط به مال مشترک (مشاع) باشد، به گونه‌ای که هر یک از بدهکاران به طور مشترک مسئول هستند، دین به نسبت سهم هر بدهکار از مال مشاع تقسیم می‌شود. در این حالت، فقهاء بر این عقیده‌اند که اگر مال مشاع میان بدهکاران تقسیم شده باشد، هر یک باید به اندازه سهم خود از دین را پرداخت کنند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۴؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۰) بنابراین، در فرض وحدت طلبکار و تعدد بدهکاران، آراء فقهی عمدتاً بر اساس دو اصل مسئولیت تضامنی و تقسیم به نسبت سهم هر بدهکار، استوار است. اگر بدهکاران مسئولیت تضامنی داشته باشند، طلبکار می‌تواند تمام مبلغ دین را از هر یک از بدهکاران مطالبه کند. در صورتی که بدهکاران مسئولیت غیر تضامنی داشته باشند، هر کدام باید سهم خود را بپردازند. همچنین، در صورت عدم توانایی پرداخت تمام دین توسط بدهکاران، ممکن است تقسیم به‌طور عادلانه و متناسب با توان مالی بدهکاران، انجام گیرد.

ادله

در فقه اسلامی، تقسیم دین در فرض وحدت طلبکار (یعنی زمانی که یک طلبکار و چند بدهکار وجود دارند) به چندین قاعده و دلیل فقهی استناد دارد. این ادله به‌طور کلی بر اساس اصول عدالت و حقوق طرفین، بنا شده است. در ادامه به مهم‌ترین ادله فقهی در مورد تقسیم دین در چنین شرایطی اشاره می‌کنیم.

۱. قاعده "الوفاء بالعهد" (وفای به عهد)

یکی از قواعد اساسی در فقه اسلامی، قاعده وفای به عهد است که به موجب آن هر بدهکار موظف است به تعهدات خود در قبال طلبکار عمل کند. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۲۱۱) در قانون مدنی ایران، به مفاهیم مرتبط با وفای به عهد اشاره شده است. (صفایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۹) این اصل عمومی

به تقسیم دین میان چند بدهکار نیز تسری پیدا می‌کند. طبق این قاعده، هر بدهکار باید سهم خود را از دین پرداخت کند و در صورت عدم توانایی، سهم دیگر بدهکاران، مورد نظر قرار می‌گیرد. در این شرایط، اگر بدهکاران به صورت تضامنی مسئول باشند، طلبکار می‌تواند تمام دین را از هر کدام از بدهکاران مطالبه کند و سپس سایر بدهکاران سهم خود را بازپس بگیرند. این قاعده در فقه امامیه و اهل سنت، پذیرفته شده است.

۲. قاعده "العدل و المساواة" (عدالت و برابری)

قاعده عدالت و مساوات از قواعد کلیدی فقه است که در بسیاری از مسائل حقوقی، مورد استناد قرار می‌گیرد. در صورتی که چند بدهکار وجود داشته باشند و یک طلبکار، دین باید به‌طور عادلانه تقسیم شود. عدالت به این معناست که هر بدهکار باید نسبت به سهم خود از دین، مسئول باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۹۴؛ محقق نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷؛ ایروانی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۶) مساوات به این معناست که در صورتی که شرایط و سهم بدهکاران مشابه باشد، تقسیم دین به‌طور مساوی و عادلانه بین آنان انجام می‌شود. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۵۸)

۳. قاعده "التسوية بين المدیونین" (تسویه بین بدهکاران)

در فقه اسلامی، قاعده‌ای به نام تسویه بین المدیونین وجود دارد. طبق این قاعده، اگر چندین بدهکار وجود داشته باشند و هیچ یک از آنها نتوانند تمام دین را پرداخت کنند، دین به‌طور مساوی بین آنان تقسیم می‌شود. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۸۵) این قاعده به معنی تقسیم برابر دین بین بدهکاران است، به‌ویژه زمانی که آنها توان مالی مشابهی دارند. این قاعده به این صورت عمل می‌کند که اگر در شرایطی بدهکاران نتوانند تمام مبلغ دین را پرداخت کنند، هر کدام باید سهم خود را پرداخت کنند و در صورتی که یک بدهکار بیشتر از سهم خود پرداخت کند، می‌تواند از سایرین، سهم خود را مطالبه کند.

۴. قاعده "الضمان" (ضمان)

یکی از دیگر اصول فقهی که در این زمینه مهم است، قاعده ضمان است. (امامی، ۱۳۹۹، ص ۳۶۵؛ کاتوزیان، ۱۳۳۲، ج ۴، ص ۱۳۲) طبق این قاعده، هر بدهکار باید نسبت به مبلغی که بر عهده دارد، مسئول باشد. (سروی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲) در صورتی که چند بدهکار وجود داشته باشند، هر کدام به میزان سهم خود از دین، مسئول پرداخت آن هستند، مگر اینکه در قرارداد یا توافق‌نامه‌ای به شکل دیگری تعیین شده باشد. در صورت مسئولیت تضامنی (که در آن تمام بدهکاران مسئول پرداخت تمام مبلغ دین هستند)، طلبکار می‌تواند کل مبلغ را از هر کدام از بدهکاران مطالبه کند. اما پس از پرداخت توسط هر بدهکار، او حق دارد از سایر بدهکاران سهم خود را دریافت کند.

۵. حکم فقهی "الملک" (ملکیت دین)

در صورتی که طلبکار و بدهکاران بین خود توافق کنند که دین را به نسبت مالکیت و سهم هر کدام از بدهکاران تقسیم کنند، این تقسیم باید طبق توافقات انجام شود. (یزدی طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۴؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۸، ص ۳۶) اگر این تقسیم به موجب عقد یا توافق بین طرفین انجام شده باشد، باید بر اساس آن عمل شود.

۶. روایات معصومین (ع)

در بسیاری از روایات از اهل بیت (ع)، اصول عدالت در پرداخت دین و رعایت حقوق طلبکاران و بدهکاران مطرح شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۳) این روایات به‌طور غیرمستقیم به تقسیم دین در صورتی که تعدد بدهکاران وجود داشته باشد، اشاره دارند. برای مثال، امام علی (ع) در فرازی از نامه ۲۷ و ۵۳ نهج البلاغه تأکید کرده‌اند که حقوق مردم باید به‌طور عادلانه و به نسبت سهم هر فرد، پرداخت شود.

۷. توافقات طرفین

در بسیاری از موارد، تقسیم دین میان بدهکاران بستگی به توافق طرفین دارد. اگر بدهکاران و طلبکار توافق کنند که دین به نحوی خاص (مثلاً به نسبت سهم هر یک از بدهکاران) تقسیم شود، این توافق معتبر است و طبق آن عمل می‌شود. در فقه اسلامی، توافقات معتبر بین طرفین همیشه به رسمیت شناخته می‌شود، به‌ویژه اگر توافق به‌طور

صریح و شفاف صورت گیرد. (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ۵۹۷) بنابراین، در فرض وحدت طلبکار و تعدد بدهکاران، ادله فقهی به وضوح تقسیم دین را بر اساس اصول عدالت، مساوات، وفای به عهد، ضمان و تسویه بین بدهکاران، تأکید می‌کنند. بنابراین، در شرایطی که هیچ توافق خاصی میان طرفین وجود نداشته باشد، دین به نسبت سهم هر بدهکار یا به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود، مگر اینکه شرایط خاصی موجب اولویت‌دهی به برخی از بدهکاران یا تغییر در نحوه تقسیم شود.

نقد و بررسی نظریه تقسیم دین در فرض وحدت طلبکار

نظریه تقسیم دین در فرض وحدت طلبکار، که به معنای تقسیم بدهی میان چندین بدهکار است در حالی که تنها یک طلبکار وجود دارد، یکی از مسائل مهم در فقه اسلامی است. این نظریه بسته به اصول مختلف فقهی، قراردادها و توافقات میان طرفین، به روش‌های گوناگونی تبیین شده است. در اینجا، به نقد و بررسی این نظریه از زوایای مختلف می‌پردازیم.

۱. نقد از منظر عدالت و انصاف

یکی از مهم‌ترین اصول در فقه اسلامی، عدالت و انصاف است. طبق این اصول، تقسیم دین در فرض تعدد بدهکاران و وحدت طلبکار باید به طور عادلانه انجام شود. نقد و بررسی: اگر دین به طور مساوی بین بدهکاران تقسیم شود، ممکن است حقوق برخی از بدهکاران نادیده گرفته شود. برای مثال، اگر بدهکاران توان مالی متفاوتی داشته باشند یا برخی از آنها توانایی پرداخت دین را نداشته باشند، تقسیم مساوی دین می‌تواند به ضرر بدهکارانی که توان مالی بیشتری دارند، تمام شود. از این رو، به نظر می‌رسد که تقسیم مساوی، در صورتی که شرایط مالی بدهکاران متفاوت باشد، چندان عادلانه نباشد. به همین دلیل است که معمولاً در فقه اسلامی، تقسیم دین به نسبت میزان دین هر بدهکار و شرایط مالی آنها تأکید می‌شود. در صورتی که

بدهکاران توان مالی متفاوتی داشته باشند، دین باید به طور متناسب با توانایی‌های هر یک، تقسیم گردد.

۲. نقد از منظر مسئولیت تضامنی

در صورتی که بدهکاران مسئولیت تضامنی داشته باشند، طبق برخی نظریات فقهی، طلبکار می‌تواند تمام مبلغ دین را از هر یک از بدهکاران مطالبه کند. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۶، ص ۱۱۳) پس از آن، بدهکارانی که بیش از سهم خود پرداخت کرده‌اند می‌توانند از دیگر بدهکاران سهم خود را بازپس بگیرند.

نقد و بررسی: یکی از انتقادات اصلی به این نظریه این است که در صورتی که یکی از بدهکاران قادر به پرداخت نباشد، دیگر بدهکاران ممکن است مجبور شوند مبلغ بیشتری را پرداخت کنند، که این ممکن است به نفع یک یا چند بدهکار و به ضرر سایرین باشد. این نوع پرداخت به‌ویژه در مواردی که بدهکاران از لحاظ مالی وضعیت متفاوتی دارند، می‌تواند به احساس بی‌عدالتی و فشار اقتصادی بیشتر بر بدهکاران، منجر شود. با این حال می‌توان گفت، نظریه مسئولیت تضامنی به دنبال تحقق عدالت در تقسیم دین است و اجازه نمی‌دهد که یکی از بدهکاران به‌طور کامل از پرداخت دین، معاف شود. در واقع، مسئولیت تضامنی به‌عنوان یک مکانیزم برای جلوگیری از فرار از مسئولیت‌های مالی و تضمین وصول کامل دین، در نظر گرفته شده است.

۳. نقد از منظر توانایی پرداخت

یکی از مشکلاتی که ممکن است در تقسیم دین به وجود آید، اختلاف در توانایی پرداخت بدهی‌ها است. در صورتی که یک یا چند بدهکار توان مالی کافی برای پرداخت دین نداشته باشند، تقسیم دین به‌طور مساوی می‌تواند منجر به تضییع حقوق دیگر بدهکاران شود.

نقد و بررسی: در شرایطی که بدهکاران توان مالی متفاوت دارند، ممکن است تقسیم دین به صورت مساوی نه تنها عدالت را رعایت نکند بلکه منجر به فشار اقتصادی بیشتر بر برخی بدهکاران گردد. به‌ویژه در مواردی که برخی بدهکاران قادر به

پرداخت هیچ بخشی از دین نیستند، تقسیم مساوی هیچ‌گونه توجیه عقلایی ندارد. به همین دلیل، در بسیاری از موارد، فقهاء پیشنهاد می‌کنند که دین باید به نسبت توانایی هر بدهکار یا سهم هر کدام از آن‌ها تقسیم گردد. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۸، ص ۴۳) این رویکرد، در مقایسه با تقسیم مساوی، منصفانه‌تر است زیرا هر بدهکار تنها مسئول پرداخت قسمتی از دین است که با وضعیت مالی او متناسب است.

۴. نقد از منظر اصول فقهی

در فقه اسلامی، قاعده "الوفاء بالعهد" و قاعده "الضمان" از اصول کلیدی هستند که تعیین می‌کنند بدهکار مسئولیت پرداخت دین خود را دارد. در صورتی که هیچ توافق خاصی وجود نداشته باشد، دین باید به‌طور عادلانه و به نسبت طلب هر یک از بدهکاران، تقسیم شود.

نقد و بررسی: این تقسیم ممکن است منجر به پیچیدگی‌هایی در تعیین سهم هر بدهکار شود، به‌ویژه اگر دین‌ها متفاوت باشند یا شرایط خاصی برای هر کدام از بدهکاران وجود داشته باشد. در این شرایط، ممکن است مشکلاتی در اجرای قاعده "الوفاء بالعهد" به‌وجود آید. اما به رغم این مشکلات، اصول فقهی می‌گویند که در صورت تعدد بدهکاران، تقسیم دین باید با توجه به میزان دین و مسئولیت هر بدهکار، انجام شود. این کار می‌تواند مشکلات پیچیده‌ای ایجاد کند، اما عدالت را حفظ خواهد کرد و به هیچ‌کدام از طرفین، ظلم نخواهد شد.

۵. توافق میان طرفین

در موارد بسیاری، توافق میان طرفین (بدهکاران و طلبکار) در مورد نحوه تقسیم دین، بسیار مهم است. این توافقات می‌توانند جزئیات بیشتری را در مورد نحوه تقسیم دین مشخص کنند و از بروز اختلافات و مشکلات، جلوگیری کنند.

نقد و بررسی: در صورتی که بین طرفین توافقی در مورد نحوه تقسیم دین نباشد،

ممکن است مشکلات پیچیده‌ای پیش بیاید. همچنین ممکن است یکی از بدهکاران نتواند سهم خود را پرداخت کند و این مسئله به نفع سایر بدهکاران تمام شود. هرچند توافق میان طرفین می‌تواند راه‌حلی برای جلوگیری از اختلافات باشد، ولی همیشه این امکان وجود ندارد که طرفین به توافق برسند. در این شرایط، اصول فقهی و قواعد عمومی تقسیم دین باید اعمال شود. بنابراین، در نهایت، بهترین رویکرد در چنین شرایطی، تقسیم دین به نسبت توانایی و سهم هر بدهکار است که موجب رعایت حقوق همه طرفین می‌شود و از فشار اقتصادی بر بدهکارانی که توان کمتری دارند، جلوگیری می‌کند. به بیان دیگر، نگارنده در مسأله تقسیم بدهی در شراکت (در فرض وحدت طلبکار)، نظر غالب فقهای شیعه را که تقسیم بدهی بر اساس سهم شرکا در شراکت است، انتخاب می‌کند. در ادامه، دلایل این انتخاب را بیان می‌کنیم:

الف - قاعده «الخراج بالضمنان»

قاعده الخراج بالضمنان یکی از اصول اساسی فقه معاملات است و بیان می‌کند که سود و زیان باید متناسب با مسئولیت و سرمایه‌گذاری هر شریک باشد. (ابن اشعث، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۵؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۷۷؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۲۵۵) در شراکت، هر شریکی به اندازه سهمش از سود بهره‌مند می‌شود؛ بنابراین، منطقی و عادلانه است که به همان نسبت در تحمل بدهی‌ها و زیان‌ها نیز سهیم باشد. این قاعده، مبنای محکمی برای تقسیم بدهی بر اساس سهم‌ها فراهم می‌کند.

ب - اصل «تساوی در مسئولیت»

در فقه شیعه، هنگامی که شرکا توافق خاصی در مورد نحوه تقسیم بدهی‌ها نداشته باشند، مسئولیت‌ها معمولاً بر اساس سهم هر شریک در شراکت، تقسیم می‌شود. (مقدس اردبیلی، ۱۴۲۹، ج ۱۳، ص ۴۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۱۹۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۶۷ و ۶۸؛ خوئی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۲۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۸، ص ۲۰۷؛ تبریزی، ۱۳۸۷، ص ۶۵). این اصل، عدالت را در روابط شرکا حفظ می‌کند و از تحمیل مسئولیت نابرابر بر یک شریک، جلوگیری می‌کند. در نتیجه، بدهی نیز باید به تناسب سهم هر شریک، محاسبه و مطالبه شود.

ج- روایات و احادیث

روایاتی از ائمه معصومین (ع) وجود دارد که بر تقسیم سود و زیان بر اساس سهم شرکا تأکید می‌کند. به عنوان نمونه، در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «الشركاء مشترکون فی الربح و الخسران علی قدر أموالهم؛ شرکا در سود و زیان به اندازه اموالشان، شریک هستند». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۵) این روایت به وضوح نشان می‌دهد که تقسیم بدهی باید بر اساس میزان سرمایه‌گذاری هر شریک باشد.

د- عدم تأثیر وحدت طلبکار

در این مسأله که فرض شده طلبکار یک شخص واحد است، این موضوع تأثیری بر نحوه تقسیم بدهی بین شرکا ندارد. طلبکار می‌تواند از هر شریک به اندازه سهم او در شراکت مطالبه کند، و این امر با تقسیم بدهی بر اساس سهم‌ها کاملاً سازگار است. وحدت طلبکار صرفاً نحوه مراجعه او به شرکا را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

ه- عدالت و انصاف

تقسیم بدهی بر اساس سهم شرکا، عدالت را در روابط بین آن‌ها تضمین می‌کند. هر شریکی که به اندازه سرمایه‌گذاری‌اش از سود شراکت بهره‌مند می‌شود، باید به همان نسبت در پرداخت بدهی‌ها، مشارکت کند. این روش از بارگذاری مسئولیت اضافی بر دوش یک شریک خاص، جلوگیری می‌کند و انصاف را برقرار می‌سازد. در پایان، پیشنهاد می‌شود که شرکا در قراردادهای شراکت، نحوه تقسیم بدهی‌ها را به صورت صریح و روشن مشخص کنند. این کار می‌تواند از بروز اختلافات و ابهامات در آینده جلوگیری کند. اگرچه نظر غالب فقهاء تقسیم بر اساس سهم است، (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۹۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۳۹۹) اما شرکا می‌توانند با توافق یکدیگر، روش دیگری مانند مسئولیت تضامنی را انتخاب کنند، مشروط بر اینکه این توافق با رضایت کامل همه شرکا و بر اساس شرایط خاص شراکت یا عرف تجاری باشد. بنابراین، با توجه به قواعد فقهی مانند؛ الخراج بالضممان، اصول عدالت، روایات معتبر و انصاف، نظر ما این است که بدهی در شراکت باید بر اساس سهم هر شریک تقسیم شود. این نظر با دیدگاه غالب فقهای شیعه هم‌راستا است و بهترین راه برای حفظ تعادل و عدالت در روابط شرکا محسوب می‌شود.

نتیجه گیری

در مسأله تقسیم دین در شراکت در فرض وحدت طلبکار، بهترین نظر به تناسب شرایط خاص هر پرونده و اصول فقهی متناسب با آن بستگی دارد. با این حال، نظر متوازن و جامع که بیشتر فقهاء به آن تمایل دارند، به شرح زیر است: در فرض وحدت طلبکار، دین باید به تناسب توان مالی یا سهم بدهکاران تقسیم شود. این تقسیم ممکن است به روش‌های مختلف انجام گیرد: الف- در صورت عدم مسئولیت تضامنی، دین باید به‌طور مساوی یا به نسبت میزان توان مالی هر بدهکار، تقسیم شود. ب- اگر بدهکاران مسئولیت تضامنی داشته باشند (یعنی طلبکار می‌تواند تمام دین را از هر بدهکار مطالبه کند)، آنگاه تقسیم دین به‌طور فردی و تضامنی خواهد بود. در این صورت، هر بدهکار مسئول پرداخت دین به‌طور کامل است و پس از پرداخت آن، بدهکارانی که بیشتر از سهم خود پرداخت کرده‌اند، می‌توانند از سایر بدهکاران سهم خود را بازپس بگیرند. زیرا در اینجا نیز همانند تقسیم دین در فرض تعدد طلبکار، اصول عدالت و انصاف حاکم است. در صورت مسئولیت تضامنی، طلبکار می‌تواند تمام مبلغ دین را از هر بدهکار مطالبه کند و پس از آن بدهکارانی که بیش از سهم خود پرداخت کرده‌اند، می‌توانند سهم خود را از دیگر بدهکاران دریافت کنند. این رویکرد به بدهکاران این امکان را می‌دهد که در صورتی که توانایی پرداخت نداشته باشند، از دیگران کمک بگیرند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ۲- ابن اشعث سجستانی، سلیمان، (۱۴۱۰ق)، سنن ابن داود، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت، انتشارات دارالفکر، چاپ اول.

- ۳- ابن حمزه، محمد بن علی، (۱۴۰۸ق)، الوسیله، تحقیق: شیخ محمد الحسون، قم، مکتبه آیة... العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.
- ۴- امامی، سید حسن، (۱۳۹۹)، حقوق مدنی (جلد ۲)، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
- ۶- ایروانی، محمد باقر، (۱۴۲۲)، دروس تمهیدیة فی الفقه الإستدلالی، قم، مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة.
- ۷- بجنوردی، سیدحسن، (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی.
- ۸- بحرانی، یوسف بن أحمد، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة، محقق: محمد تقی ایروانی، سید عبد الرزاق مقرم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ۹- تبریزی، جواد، (۱۳۸۷)، تنقیح مبانی الاحکام، قم، انتشارات دار الصدیقه الشهیده (س).
- ۱۰- ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۰۳ق)، سنن الترمذی، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، انتشارات دارالفکر، چاپ دوم.
- ۱۱- حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- ۱۲- طباطبائی حائری، سید علی، (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول.
- ۱۳- حکیم، سید محمد سعید، (۱۴۱۵)، منهاج الصالحین، بیروت، دارالصفوه.
- ۱۴- حلی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵)، حدائق الناظره، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۵- خمینی، سید روح الله، (۱۴۴۲)، موسوعه الإمام الخمينی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۶- خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۵ق)، تحریر الوسیله، ۲ جلد، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
- ۱۷- خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۱)، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۸- خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۸)، کتاب دین و قرص، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- ۱۹- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج، بغداد، انتشارات جامعه بغداد.
- ۲۰- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸)، موسوعه الامام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- ۲۱- سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه المنار.
- ۲۲- سروی، محمدباقر، (۱۳۹۱)، حقوق مدنی کاربردی (اموال و مالکیت، عقود و تعهدات، الزامات بدون قرارداد و عقود معین)، تهران، انتشارات فکرسازان، چاپ اول.
- ۲۳- شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۶)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
- ۲۴- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم.
- ۲۵- شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، المقنعه، قم، انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- ۲۶- صفایی، سیدحسین، (۱۳۸۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (جلد دوم) (قواعد عمومی قراردادها)، تهران، انتشارات قانون، چاپ نهم.
- ۲۷- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، العروه الوثقی، بیروت، انتشارات مؤسسه الاعملى، چاپ دوم.
- ۲۸- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۳۷۰)، حاشیه المکاسب، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- ۲۹- عاملی، سیدمحمدجواد، (۱۴۱۰ق)، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت.
- ۳۰- عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضه البهیة، قم، انتشارات داوری.
- ۳۱- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳)، مختلف الشیعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۲- عراقی، ضیاءالدین، (۱۴۱۸)، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ۳۳- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۴-، (۱۳۶۴)، عقود اذنی، وثیقه های دین، تهران، انتشارات بهنشر.
- ۳۵- کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۳۲)، اثر عقدضمان، تهران، انتشارات گنج دانش.

- ۳۶- محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرائع الاسلام، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- ۳۷- محقق نائینی، محمد حسین، (۱۴۱۸)، منیه الطالب، قم، انتشارات موسسه نشر اسلامی.
- ۳۸- محقق نائینی، محمد حسین، (۱۴۱۳)، المكاسب و البیع، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- ۳۹- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۲۹)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، مؤسسه فقه الثقلین الثقافیة.
- ۴۰- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۱ق)، فقه الامام الجعفر الصادق (ع)، قم، انتشارات موسسه انصاریان.
- ۴۱- نجفی، محمد حسن بن باقر، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق و تصحیح شیخ عباس قوچانی، ۴۳ج، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- ۴۲- نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۳- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه فارسی، قم، انتشارات مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.